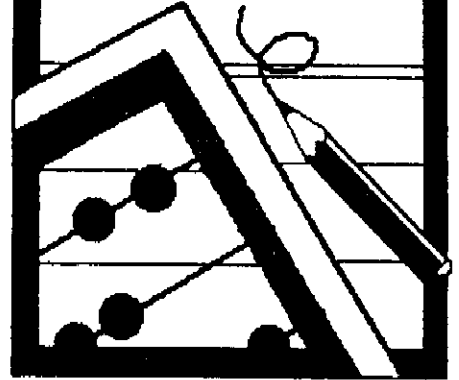


از اجرای سیاست دروازه‌های باز
راه به کجا می‌بریم؟



از شمشیر ناپلئون تا مقررات بانک جهانی!

از محمد حیدری

● سیاست‌های دیکته شده بانک جهانی، مکمل اصول عالی سیاست خارجی آمریکا و منطبق با منافع کمپانی‌های چند ملیتی است

سروری و قدرت کشورهای استعمارگر را تضمین کند.

در آن دوران (قبل از انقلاب فرانسه) ابتدا نظریه تجارت آزاد در داخل مرزهای کشورها مطرح شد. این نظریه - که در اقتصاد کلاسیک به «شیز یوکراسی» شهرت یافته - معتقد بود «تجارت آزاد بارآورتر از تجارت و صناعت

دولتی است که تابع مقررات سنتی باشد»^(۱) اگر گفته شود که همین فیزیوکرات‌ها بودند که انقلاب فرانسه را اداره کردند و به راهی کشاندند که به ظهور ناپلئون منجر گردید، نظریه بدیعی ارائه شده است.

به فرازی از تاریخ توجه کنیم:

دوبی شانزدهم طی دو سال (۱۷۷۴ - ۱۷۷۶) به تورگو (وزیر مالیه) اجازه داد فرضیه فیزیوکرات‌ها را دایر بر این که آزادی تجارت و رقابت و استبداد بلا مانع بازار - عرضه و تقاضا - درباره دستمزدهای کارگران و ارزشهای کالا، اقتصاد فرانسه را احیاء و درآمدهای اضافی را برای دولت تهیه خواهد کرد، به کار بندد. اهالی پاریس که عادت داشتند دولت را به عنوان تنها حامی خود در مقابل سوداگران بازار بدانند، با اقدامات تورگو به مخالفت پرداختند و سر به شورش برداشتند و از عزل او شادی کردند.^(۲)

طبیعی می‌نماید که بپذیریم فیزیوکرات‌ها که لویی را عنصری نمی‌دانستند که بتواند منافع آنان را تأمین کند، از رفتن گردن او به زیر گیوتین شاد شوند و بکشند فردی را به فرمانروایی فرانسه برسانند که مطامع و منافع آنان را نه در داخل، که

بدین لحاظ جنبه‌های مختلف اقتصاد کشور ما (کشاورزی، صنعت، خدمات، بانک‌داری و...) به مثابه خرگوش‌هایی شده‌اند که باید به بهای موجودیت خود، عرصه اعمال سلیقه اقتصاددانان فارغ‌التحصیل از مکتب‌های مختلف اقتصادی غرب، شوند.

● یک ریشه یابی...

از چند سال قبل، تئوریهایی بر اقتصاد ایران حاکم شده که اهم آن‌ها عبارت است از:
الف - بازبودن دروازه‌ها بر روی واردات و صادرات،

ب - اعمال سیاست عرضه و تقاضا، و یا به عبارت واضح‌تر، عدم دخالت دولت در ساز و کار بازار،

د - فعال کردن بورس سهام با نیت مختلف، و از جمله ایجاد زمینه سرمایه‌گذاری‌های متمرکز. همه این تئوری‌ها، و امور فرعی که از آن‌ها ناشی می‌شود، متأثر از همان سیاست‌ها و ضروریاتی است که از قبل از انقلاب فرانسه، کشورهای استعمارگر اروپا در قرون هیجده، نوزده و بیست مجبور به اعمال و اجرای آن شده‌اند، به خاطر آن‌ها جنگیده‌اند و بارها اروپا و دنیا را به خاک و خون کشیده‌اند.

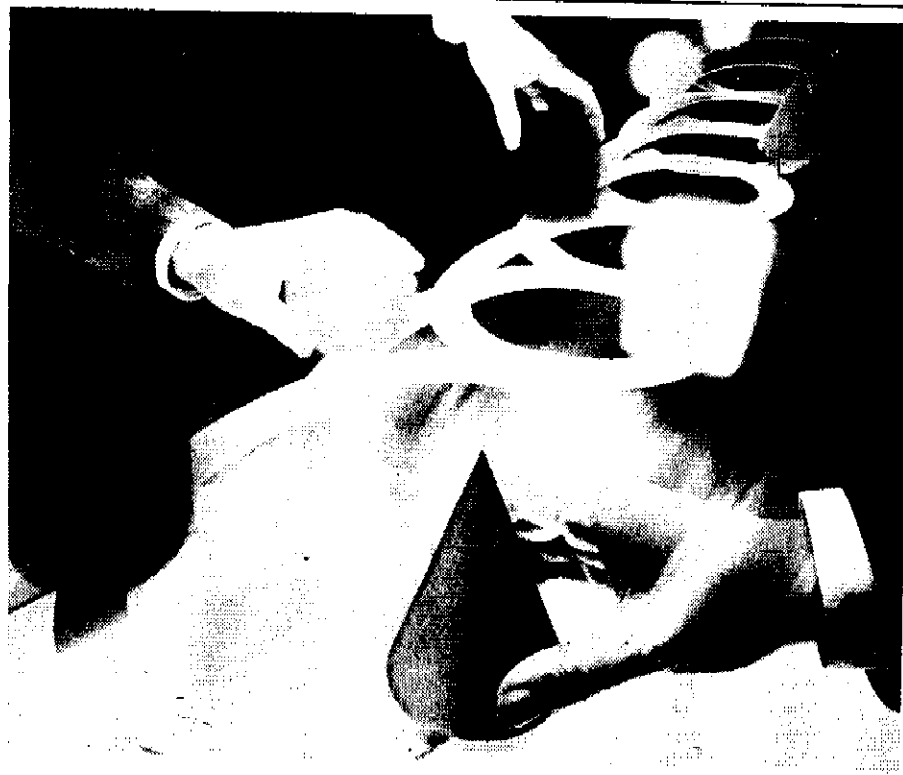
ثروتی که به صورت مواد خام از مستعمرات به اروپا (به ویژه فرانسه و انگلیس) می‌آمد، پس از تبدیل به مواد ساخته شده، مازادی داشت که می‌باید به خارج صادر شود، و صندوق تضمین‌شده همین مازاد بود که می‌توانست

یکصد و پنجاه سال پیش «فردریک لیست» اقتصاددان معروف آلمان نوشت: «تجارت آزادی که انگلستان مطرح می‌کند و دولت‌ها را تشویق به سیاست تجارت آزاد می‌نماید، مانند تمام کالاهای انگلستان تنها برای صادرات بسته‌بندی شده است.»

و ماه گذشته، روزنامه اتریش «دی پرسه» - که ارتباط نزدیکی با وزارت خارجه اتریشی دارد، نوشت: «شعار آزاد گذاردن دست کنسرسیوم‌های معظم آمریکایی برای پیشبرد اهداف و منافع خود آمریکا در سراسر جهان است.»

چه در آن زمان، و چه در این دوران، نظریه‌هایی که تئورسین‌های انگلیسی و آمریکایی برای آزادی تجارت ارائه می‌دادند و می‌دهند، و رذیه‌هایی که رقبای آن‌ها مطرح می‌کردند و می‌کنند، کم‌ترین ارتباطی با اقتصاد کشورهای نظیر کشور ما ندارد، اما شگفتا که ما اقتصادمان را بر مبنای همان تئوری‌ها پایه‌گذاری کرده (و می‌کنیم)، تاوان می‌دهیم و عبرت هم نمی‌گیریم!...

معماران اقتصادی ما عموماً تحصیل‌کرده‌های دانشگاه‌های اروپا و آمریکا هستند و تر فارغ‌التحصیلی خود را بر مبنای تئوری‌های اقتصادی نظریه‌پردازان متقدم و یا متأخر اروپا و آمریکا می‌نویسند، و وقتی در کشور مصدر شعبانی می‌شوند، می‌کوشند تا اقتصاد ویژه این سرزمین را براساس آن مکتب اقتصادی که خود بیشتر پسند کرده‌اند، سامان دهند.



در ماورای مرزهای فرانسه نیز تأمین کند. و چه کسی مناسبتر از جنگجویی عظمت طلب به نام ناپلئون یوناپارت؟

چند سالی پس از اعدام لویی شانزدهم همین ناپلئون به دنبال لشکرکشی موفقیت آمیز به ایتالیا (۱۷۹۷) نامه‌یی به (دیرکتوار) هیأت مدیره ۵ نفره‌یی که فرانسه را اداره می‌کرد - نوشت و طی آن متذکر شد: فرانسه باید جزایر ونیز را در دریای آدریاتیک برای خود نگاه دارد زیرا «این جزایر برای ما از تمام ایتالیا مهم‌تر است و برای تأمین ثروت و ترقی تجارت جنبه حیاتی دارد. اگر بخواهیم انگلیس را از پا درآوریم باید بر مصر مستولی شویم. امپراطوری عظیم عثمانی، که هر روز توانش به تحلیل می‌رود، ما را بران وا می‌دارد که بر حوادث پیشی گیریم و قدمهای نخستین را برای حفظ تجارتمان در مصر - شرق - برداریم» (۳).

اما هم ناپلئون، و هم فیزیوکرات‌های فرانسه، یک قدم از همتایان خود در انگلیس عقب بودند، زیرا در آن سال‌ها که فیزیوکرات‌های فرانسه به خاطر انقلاب و مشکلات آن معطل مانده بودند، رقبای انگلیسی آنان با اصلاحات تدریجی در داخل، زمینه‌های لازم برای استیلای مطلق انگلستان بر تجارت جهانی را فراهم آورده بودند. بدین لحاظ وقتی فرانسه قدرت گرفت و خواست به بازارهای خارج گام نهد، با مقاومت و ممانعت انگلیسیان مواجه شد، و همین، مقدمه جنگ‌های خونینی بود که سرانجام به سقوط ناپلئون و فرانسه و تثبیت موقعیت انگلستان بر بازارهای فروش جهان منجر شد. (۴)

● شکل مدرن فیزیوکراسی

با سقوط ناپلئون انگلیس نه فقط به صورت قدرتی درآمد که حرف اول را در تجارت جهانی می‌زد، بلکه تا پایان جنگ جهانی دوم، هرگاه رقیبی قد علم می‌کرد (قیصرهای آلمان و هیتلر) ایایی نداشت که جهان را به گام جنگ‌هایی خونبارتر از جنگ‌های ناپلئون بکشانند. پایان جنگ جهانی دوم، آغاز جا به جایی مرکزیت قدرت فیزیوکرات‌ها نیز بود. واشنگتن جای لندن را گرفت و به اقتضای زمان، استعمار نو، جایگزین شیوه‌های استعماری قدیم شد. ابزار اعمال نظریات و مقاصد نیز تغییر کرد. این ابزار را اکنون نه در شمشیر ناپلئون و قدرت بی‌رقیب دریایی انگلیس، که در اصول عالی سیاست خارجی آمریکا، مقررات بانک جهانی و شرکت‌های چندملیتی باید جستجو کرد.

اگر امروز آمریکا، ژاپن را متهم به نقض مقررات تجارت آزاد می‌کند، و فرانسه از تهاجم فرهنگی آمریکا می‌نالند، و آلمان با آمریکا به موش و گربه‌بازی سرگرم است، و اروپا می‌خواهد به وحدت برسد، و حقوق بشر بهانه‌یی می‌شود برای مداخله هر از چندگاهی در نقطه‌یی از

● در شرایط کنونی، ما «سرمایه» های ملی را صادر می‌کنیم تا کالاهای لوکس و غیر ضروری بخریم!

● اقتصاددانان ما تئوری‌هایی را برای اقتصاد کشور تجویز می‌کنند که فقط برای اقتصاد کشورهای پیشرفته صنعتی کارساز است

کوکاکولا، شکلات، سیگار و دیگر کالاهای غیر ضروری خریدیم.

این است بیان واقعی اجرای سیاست دروازه‌های باز. در انتهای این بیان، و در ستون تراز بدهکار و بستانکار، این حقایق رقم زده شده است: میلیاردها دلار بدهی معوقه، صنایعی که یا تعطیل شده و یا با حداقل ظرفیت کار می‌کنند، پول ملی که هر روز از ارزش آن کاسته می‌شود، طرح‌های توسعه‌یی که نیمه تمام مانده و...

کشوری مانند ژاپن با آن مازاد تراز بازرگانی خارجی هنگفت، در برابر اعمال فشار برای گشودن دروازه‌های خود مقاومت می‌کند و ماکه قادر نیستیم حتی کرک تولیدی عشایر منطقه بافت در کرمان را به کالای آماده تبدیل کنیم، دروازه‌های خود را به روی هر کالای بنجل خارجی می‌کشائیم!

و جالب است که تا قبل از اجرای سیاست دروازه‌های باز، این گرک به خارج صادر می‌شد، ولی اکنون دیگر قادر به صادر کردن آن هم نیستیم (۵) در اوضاع جاری نه تنها سیاست دروازه‌های باز، که بسیاری از روش‌های اقتصادی حاکم، غیر کارساز، زیان‌آور، و در مواردی

بقیه در صفحه ۴۶

جهان... در همه این موارد می‌توان با بکارگرفتن قدرت تخیل، همان نیات و حرکت‌هایی را مشاهده کرد که در اروپای قبل و بعد از انقلاب فرانسه حاکم بود، و جریان داشت.

روزگاری، انگلیس با سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» نیات خود را پیش می‌برد، و امروز سینه چاک‌دادن به خاطر آزادی تجارت، و نسخه‌هایی که بانک جهانی برای توسعه کشورهای عقب‌مانده و یا در حال توسعه می‌نویسد، ابزار غارت ملت‌هاست.

● نگاهی به خودمان: دروازه‌های باز!

حدود پنج سال از اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی در کشور ما می‌گذرد. در این مدت هرچه در آورده‌ایم، خرج کرده‌ایم و مقادیری هم وام گرفته‌ایم (یا یوزانس خریده‌ایم)، حال چه داریم؟

در اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی، دروازه‌های خود را گشودیم و دلمان را خوش کردیم که در دنیای رقابت، اگر وارداتی داریم، صادراتی هم خواهیم داشت.

نفت و مقادیری کالاهای سنتی و صنعتی و مواد خام صادر کردیم و در مقابل، اتومبیل،

● وقتی مطالب چاپ شده در نشریات مورد پسند مقامات بالا قرار نگیرد، دیواری از دیوار خبرنگار کوتاه تر نخواهد بود!

سرانجام روزی گفتند: فردا برای مصاحبه با آقای... مراجعه کنید.

همکار ما می نویسد:

«... ذوق زده شده بودم. فکر می کردم با دست پر به مجله بر می گردم. با همین خوش خیالی همراه یک کارمند روابط عمومی به اتاق معاونت مدیر حمایت های سازمان وارد شدم. ایشان با خوش رویی مرا پذیرفت و شروع به صحبت کرد، از موفقیت ها و خدمات سازمان گفت و گفت، و من گوش کردم. اما توضیحات ایشان هیچ ربطی با سؤالات من نداشت. گویا، مطلب بدجوری به ایشان تفهیم شده بود و گمان می کرد برای تهیه یک رپورتاژ آگهی توضیح می دهد!

بالاخره فرصتی دست داد و من سؤالاتم را مطرح کردم، اما ناگهان نفس گرم مقام معاونت سرد شد و مظهری نامرئی از سکوت، دهان ایشان را بست!

خلاصه کلام... فهمیدم روابط عمومی خیال کرده یک مبلغ مفت و مجانی گیر آورده، یا مثلاً بنده مأمور قسمت آگهی های مجله هستم!

ضبط صوتم را خاموش کردم و بیرون آمدم!...»

● چرا ضبط صوت؟

خبرنگاران ما از این قبیل خاطرات زیاد دارند که نوشتن همه آنها از حوصله و مجال این گزارش خارج است.

اما اشاره به این که چرا این خبرنگار و سایر خبرنگاران به هنگام مصاحبه از ضبط صوت استفاده می کنند، خالی از لطف نیست:

گاهی پیش می آید که کوشش های یک خبرنگار به ثمر می رسد و مقامی حاضر به مصاحبه، می شود خبرنگاران عموماً دارای حافظه و دقت بالایی هستند و کمتر در نقل مطالبی که شنیده اند دچار اشتباه می شوند، اما در گذشته بسیار دیده شده که پس از چاپ مصاحبه یک مقام بالاتر از همه، یا قسمتی از حرف های او خوشش نیامده و کار به «توبیخ» و «سرزنش» کشیده است.

عملاً ثابت شده که در این قبیل مواقع هیچ دیواری کوتاه تر از دیوار حاشا، و هیچ سپر بلایی در دسترس تر از خبرنگار نیست. همه کسسه و کوزه ها سر خبرنگار می شکنند و مصاحبه کننده برای رفع مسؤولیت از خود، به این بهانه متوسل می شود که:

من این حرف ها را نکرده ام... خبرنگار از خودش در آورده و...

و خبرنگاران هم برای رفع مسؤولیت از خود به «سلاح» ضبط صوت مجهز شده اند. و چنین است که اگر روزگاری حافظه، ابزار کار یک خبرنگار بود، امروز علاوه بر قلم و دسته یادداشت، ضبط صوت هم از ابزار لازم کار خبرنگاری شده است!

● حلقه مفقوده

خوانندگان از نشریات انتظار دریافت دقیق ترین، صحیح ترین و تازه ترین «آگاهی» ها، «اخبار» و «اطلاعات» را دارند.

نشریات هم به موجب صراحت قانون اساسی و قانون و آیین نامه مطبوعات مجاز شناخته شده اند که «اخبار»، «اطلاعات» و «آگاهی» هایی را که خلاف قانون و مصالح کشور نباشد، درج کنند.

نشریات، منابع مختلفی برای کسب اطلاعات و اخبار دارند. یکی از این منابع وزارت خانه ها، سازمان ها و نهادها است. در شرایط کنونی مسؤولان رده بالای این مؤسسات از مصاحبه با خبرنگاران و دادن اطلاعات به نشریات حتی الامکان طفره می روند.

و اگر روابط عمومی ها اکنون نه پل ارتباطی، که سدی در راه کسب «خبر» و «اطلاع» هستند، ناشی از ذات و ساختار خود آنها نیست. این، مدیریت های فائقه سازمان ها هستند که روابط عمومی ها را به ابزاری بی خاصیت، و گاه بازدارنده، مبدل کرده اند. در این جا، یک پرسش حساس مطرح می شود:

سیاست بسته خبری به سود چه کسی است؟

جواب این سؤال را خود ما می دهیم: با توجه به این که «اخبار» و «اطلاعات» دیر یا زود در سطح جامعه منتشر می شود، و غالباً هم به وسیله همین نشریات منتشر می شود، نهایتاً سازمان هایی متضرر می شوند که اداره روابط عمومی آنها در مقابل افکار عمومی، سدّ است، نه پل.

وجود یک روابط عمومی فعال و کارا، حداقل این حُسن را دارد که در کنار یک خبر یا گزارش، توضیحات و دفاعیه سازمان های مربوطه هم چاپ می شود.

از شمیر ناپلئون تا...

بقیه از صفحه ۱۵

ویرانگراست؛ اما چون هدف از این مقاله بررسی اجمالی تأثیر سیاست دروازه های باز است، تنها پیشینه تاریخی همین سیاست، و نتایج آن را مورد بررسی قرار دادیم و فقط از این دیدگاه هم به موضوع نگرستیم تا:

۱- نشان داده شود که سیاست دروازه های باز نهایتاً به سود کشورهای پیشرفته و کمپانیهای چند ملیتی است و متقابلاً به زیان کشورهای نظیر ما،

۲- نشان داده شود ما هنوز به آن شرایطی نرسیده ایم که صادرات و واردات را در دو کفه ترازو بگذاریم، تا نوسان اندک کفها را مورد ارزیابی قرار دهیم.

بیشترین درآمدهای ما از صادرات، حاصل فروش نفت و مواد خام است و در اصطلاح اقتصاددانان به این نوع صادرات، صادرات سرمایه گفته می شود.

نفت و مواد خام معدنی دیگر، سرمایه های ملی ما هستند نه کالای تولیدی؛ و در یک فرض محال، اگر روزی رقم درآمدهای صادراتی ما از محل فروش نفت و مواد خام بر پولی که برای واردات پرداختیم بچربد، باز هم بازنده هستیم. بنا به دلایل مختصری که آورده شد، سیاست دروازه های باز نه تنها مبتنی بر منافع ملی ما نیست، بلکه در تضاد با آن نیز قرار دارد. همین واقعیت در مورد سایر مشخصه های اساسی سیاست های فعلی اقتصادی ما نیز مصداق دارد، و بنابراین باید پرسید:

آیا وقت آن نرسیده که تصمیم گیرندگان و برنامه ریزان در زمینه امور اقتصادی، پیش از آن که همه فرصت ها از دست برود، دیدگاه های خود را تغییر دهند؟

□ پی نوشت ها:

۱- «ایل» و «ویل دورانت» تاریخ تمدن، جلد آخر (عصر ناپلئون). همین مأخذ می افزاید: «فیزیکرات ها برای تبدیل مواد خام به کالای تمام شده پول تهیه می کردند و آن را از تولید کنندگان به مصرف کنندگان می رساندند و از هر دو طرف سود می بردند» صفحات ۷ و ۶

۲- همان منبع صفحه ۹۶

۳- همان منبع صفحه ۱۳۵

۴- برای آن که دانسته شود انگیزه جنگ های ناپلئونی، و مقاومت سرسختانه انگلستان تا چه حد به خاطر آزادی و دموکراسی، و تا چه اندازه برای تأمین منافع تجاری آنها بوده، خواندن جلد آخر تاریخ تمدن توصیه می شود.

۵- روزنامه حدیث کرمان - شماره ۴۵۴ مورخ ۷۲/۸/۷۲: ۴۰۰ تن کرکک خام تولید عشایر

بافت، روی دست آنها مانده است. ارزش این محصول سه میلیارد و شصت میلیون ریال می باشد که به دلیل رکود بازار صادرات به فروش نرفته... محصول کرکک بافت، از لحاظ مرغوبیت، در دنیا بی نظیر است...